

اقتصاد

معاون حقوقی رئیس‌جمهور تشریح کرد

جزئیاتی دیگر از آزادسازی ۴۳ میلیون دلار اموال ایران از سوی آمریکا

صفحه ۲



مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران:

آمادگی ۱۰۰ درصدی صنعت گاز برای آغاز روزهای سرد

۴

۸ میلیون و ۴۰۰ هزار افغانی از کجا آمدند!؟

مهاجرانی که مقیم شدند!

۳

هزمان با برگزاری نشست ۳+۴ در تهران بررسی شد

پیشرفت گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی در قفقاز جنوبی

۲

برای حفظ تأمین اجتماعی ۳۰ میلیون حق بیمه پرداز می‌خواهیم

سالخوردگی بلای جان بازار کار آینده

سرعت سالخوردگی و ورود به دوران سالمندی تحت تأثیر میزان باروری ماست و باروری زیر سطح نرخ جایگزینی جمعیت، طی چند دهه، باعث می‌شود که ما سالمندان بیشتری نسبت به دوره‌های گذشته داشته باشیم. انتشار اطلاعات آینده‌پژوهی مرکز آمار ایران درباره آینده هرم سنی و جمعیت سالمندان و بازنشستگان کشور در هفته گذشته؛ برای صاحب‌نظران حوزه بیمه‌های اجتماعی و جمعیت‌شناسی و اقتصاد تکان‌دهنده بود.

بنابر آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، جمعیت در سن بازنشستگی ایران طی ۱۴ سال آینده دوبرابر می‌شود. در این ۱۴ سال به جمعیت افراد در سن قطعی بازنشستگی ۵.۵ میلیون نفر اضافه خواهد شد. اطلاعات جدید مرکز آمار ایران نشان می‌دهد جمعیت کهنسال در سن بازنشستگی قطعی (بالای ۶۵ سال) در کشور طی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۱۵ به حدود دو برابر افزایش می‌یابد. این درحالی است که در همین مدت یا فرض ثابت گرفتن آهنگ رشد جمعیت کنونی تنها بیش از ۱۰ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شود. روند تحولات جمعیتی در کشور طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ به کاهش مرگ و میر قابل توجه زنان و نوزادان در هنگام تولد (که پیش از آن به دلیل ضعف مراقبت‌های بهداشتی بسیار بالا بود) شروع شد. در علم جمعیت‌شناسی شاخصی به نام «نرخ جایگزینی جمعیت» وجود دارد که نشان می‌دهد هر خانوار ایرانی به‌طور متوسط چند فرزند می‌آورد. متخصصان جمعیت‌شناسی بر این امر متفق‌القول هستند که نرخ استاندارد حداقلی آهنگ رشد جمعیت باید به گونه‌ای باشد که هر زوج صاحب کمتر از ۲ فرزند نباشند تا میزان جمعیت دست‌کم حفظ شده و شاهد کاهش جمعیتی و پیری جمعیت نباشیم.

شرح در صفحه ۵

سخن نخست

۳+۴، تثبیت صلح، تحکیم همکاری

نخستین نشست وزرای امور خارجه ایران، روسیه، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان در قالب ۳+۴ تحت عنوان «نوبت صلح، همکاری و پیشرفت در قفقاز جنوبی» در تهران برگزار شد. گرجستان به دلیل اختلافات مرزی خود با روسیه در این نشست حضور نداشت. در ارتباط با اهمیت این نشست در تثبیت صلح و امنیت و همچنین تحکیم همکاری‌های در قفقاز، نکات زیر قابل توجه است.

۱- برگزاری این نشست بعد از رویکرد سازنده جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان در پذیرش تمامیت ارضی یکدیگر و عدم تغییر مرزهای بین‌المللی، یک اقدام مهم و ضروری محسوب می‌شود.

ادامه در صفحه ۲



محمسن پاک‌آیین



آمریکا برای مقابله با چین و روسیه آماده می‌شود

جنگ به بهانه مبارزه با تهدید هسته‌ای

صفحه ۷

پادداشت

قطعی شده است. در حقیقت این سیاست مبتنی بر راهبردی ترکیبی در گام نخست در روند جنگ غزه قصد دارد گروه‌های مخالف مانند حماس و حزب الله را در قالب دومینوی سقوط پاک سازی نماید. در گام‌های بعدی نیز می‌بایست در جبهه شرق اروپا به شکست پوتین و در شرق آسیا به مهار چین منجر گردد. راهبردی که با ادامه دار کردن جنگ‌ها باید روشی نوین برای حفظ نظم تک قطبی و نجات نظم لیبرال رو به افول باشد.

وضعیت کنونی تابع یک الگوی مشترک میان اروپا و آمریکا است و اینکه اساساً صلح چیزی در راستای منافع آمریکا و اروپا به طور خاص در خاورمیانه و یا سایر نقاط جهان نیست و ائتلاف غرب به عنوان هم پیمانان اسرائیل نیز مایل به یافتن راه حل برای آتش بس و یا رسیدن به صلح دائمی در جنگ غزه و اوکراین نیستند. در واقع صلح در راهبرد جنگ‌های مورد نظر غرب واژه ممنوعه و جنگ نام دیگر سیاست بر مبنای شر مطلق، یا اسم رمز استراتژی آمریکا برای تقویت نظم مسلحانه با هدف از بین بردن رقبا است. شوربخانه در اجلاس قاهره نیز در مورد بحران فلسطین هیچ راهکار عملی ارائه نگردید، اما واشنگتن همزمان ناو‌های هواپیمابر خود را برای حمایت از رفتارهای وحشتناک اسرائیل در دو سوی مدیترانه و دریای سرخ مستقر نمود و طبق معمول حمایت‌هایش را نه از نوع پیشبرد فرآیند صلح، بلکه از نوع تقویت حضور نظامی و جنگ طلبی علنی ساخت. آنچه مسلم است جنگ غزه با هر نتیجه‌ای براساس سوابق تاریخی یک پیام برای آمریکا و اروپا دارد.

پیام این است که نظم خاورمیانه بر خلاف منافع آمریکا و اروپا در حال شکل‌گیری می‌باشد و اگر ده سال جنگ عراق و ۲۰ سال جنگ افغانستان با هزینه‌های چند هزار میلیاردی و فرار مفتضاحانه آنها از کابل هنوز درس عبرتی برای آنها نشده، از این پس باید بدانند که خاورمیانه با حضور نیروهای وفادار خود محلی برای پیروزی آنها با جنگ نیست.

غاصبان و خلع سلاح گروه‌های فلسطینی را رقم بزنند. اما آنچه را که غربی‌ها از خود نمی‌پرسند این است که وقتی راه حل‌های سیاسی بدون نظر گرفتن یک طرف مناقشه صادر می‌شود؛ و یا رژیم اشغالگر قطعنامه ۲۴۲ و توافق اسلو برای حل بحران را نمی‌پذیرد، چگونه می‌توان از طرف فلسطینی انتظار خلع سلاح و روی آوردن به مذاکره و گفتگو را داشت؟ در میان تمامی رفت و آمدهای مقام‌های غربی از اولاف شولتز صدراعظم آلمان گرفته، تا ریشی سوناک نخست‌وزیر انگلستان، و فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا و جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و همچنین فرمانده سنکام به اسرائیل؛ هیچ حمایتی از برقراری آتش بس و یا حتی اعلام بی‌طرفی صورت نگرفته است.

در واقع می‌توان با اطمینان گفت که در جنگ غزه با یک استاندارد دوگانه مبنی بر تقسیم انسان و نا انسان مواجه هستیم. تا انسان‌هایی که به عنوان حق دفاع یک طرف مجوز کشتار فلسطینی‌ها صادر می‌کنند. اما در طرف دیگر انسان‌هایی قرار دارند که بدون دسترسی به نیازهای اولیه و حداقل ۴ هزار قربانی حق اعتراض از طریق نهادهای بین‌المللی را هم ندارند و حتی حق آواره شدن دوباره را هم با بمباران‌های بی‌وقفه در مسیری که قصابان رژیم صهیونیستی اعلام کرده‌اند هم از آنها گرفته شده است. انسانی‌هایی که با بسته شدن گذرگاه رفح حتی اجازه فرار به آنسوی مرزها هم پیدا نمی‌کنند و می‌بایست شاهد آن باشند که در چه زمان با فرود بمبی از آسمان از این وحشت و کشتار صیوعانه رهایی می‌یابند. در دیگر سو هم اکنون جهان با جنگ‌های غزه و اوکراین و جدیت غرب در مهار چین با وقایع چندجانبه‌ای مواجه است. استفاده از نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل برای باز نگاه داشتن جنگ‌های با پایان باز؛ همراه با تقویت ائتلاف اروپا و آمریکا برای حفظ نظم موجود آمریکایی که در آن پیروزی اسرائیل در جنگ غزه، شکست روسیه در جنگ اوکراین و مهار چین در جنوب شرق آسیا راهبرد

پیام جنگ غزه برای آمریکا



مرتضی خوانساری
نظم خاورمیانه بر خلاف منافع آمریکا و اروپا در حال شکل‌گیری می‌باشد و اگر ده سال جنگ عراق و ۲۰ سال جنگ افغانستان با هزینه‌های چند هزار میلیاردی و فرار مفتضاحانه آنها از کابل هنوز درس عبرتی برای آنها نشده، از این پس باید بدانند که خاورمیانه با حضور نیروهای وفادار خود محلی برای پیروزی آنها با جنگ نیست.

۷ اکتبر نیروهای حماس از حصارهای فولادین و بتونی صهیونیست‌ها گذشتند تا انتقام چند دهه زندگی تحت محاصره را از شکنجه‌گران و زندانبانان سرزمین خود بگیرند. علیرغم اینکه دو هفته از سر باز کردن زخمی دیگر در خاورمیانه گذشته اما نه تنها هیچ صدایی از آتش بس و وقت با پایان جنگ از سوی نهادهای بین‌المللی به گوش نمی‌رسد، بلکه در همین مدت چیزی بیش از ۱۰۰۰ تن تجهیزات عمدتاً نظامی از سوی کشورهای غربی به سوی اسرائیلی روانه شده است. این در حالی است که طرف فلسطینی طی این مدت از امکان داشتن دارو، غذا، برق و آب آشامیدنی سالم یا حتی داشتن امنیت برای بیرون آوردن جنازه‌های کشته‌شدگان خود از زیر آوارها برخوردار نبوده است.

حال در یک طرف جنگ، شاهد حمایت سخاوتمندانه و تمام‌عیار آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس از جنایت‌های اسرائیل علیه مردم غیرنظامی فلسطین هستیم که با هم با هر گونه زمینه‌سازی برای آتش بس مخالف می‌باشند و هم در همدستی با یکدیگر قطعنامه‌هایی را که تاکنون بر روی پایان درگیری در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شده است را برآورده اند و در پی آنند تا با ادامه حمایت‌های تسلیحاتی خود پیروزی

پادداشت

عکست اینجاست؛ خودت «کیمیا» شدی!



مرتضی رضایی
دیروز و در کمیته المپیک؛ عکس کیمیا آنجا بود. آنجا پشت استندهای شیشه‌ای. فلش‌یکی به المپیک ریو؛ نخستین مدال تاریخ زنان ایران را گرفت و ورق زندگی‌ات برگشت. بدون تعارف برگشت. از انواع و اقسام پاداش‌ها گرفته، تا ملک و زمین، سکه. حضور در برنامه‌های مختلف برای تقدیر و... همه چیز بر وفق مراد بود که یک‌دفعه خبر رسید کیمیا پناهنده شده است برای یک زندگی بهتر. رفتی و ماجرا آغاز شد. رفتی و در توکیو تو را مقابل ایران قرار دادند. یادت می‌آید چطور شب قبل از آغاز مسابقات، برنامه را تغییر دادند تا تو و کیانی رودرروی هم قرار بگیرید؟ ایران مقابل ایران. تو و ناھید کیانی. اما انتهایش هیچ بود! این را که قبول داری خانم عزیزاده؟! البته که زندگی شخصی هر کسی به خودش ربط دارد و در این باره حق هیچ اظهار نظری ندارم اما می‌خواهم درباره زندگی ورزشی‌ات بنویسم. اینکه رفتی دنبال رویاهایت تا به قول خودت محدودیت‌های اینجا را کنار بگذاری و بتوانی آزاد مبارزه کنی، با بزنی و مدال کسب کنی اما از آن روز تا امروز زمان زیادی گذشته است. چه خوب بود که لایبلی بلاگر بازی و ساختن دابسمش در اینستاگرام، گزارشی از شرح حال ورزشی‌ات می‌دادی که داری چه کار می‌کنی؟ آیا آزادانه مبارزه کردی، به مدال المپیک دیگری که می‌خواستی رسیدی و اصلاً چه خبر از توکانو؟

دیروز عکست را آنجا در کمیته دیدم. هنوز هم مرام و معرفت مسئولان ورزش ایران به هیچ‌کسی اجازه نداده تا آن عکس را پایین بیاورند اما یک سوال خیلی مهم دارم؛ به آن چیزی که می‌خواستی رسیدی؟ اگر یکی از من این سوال را درباره کیمیا عزیزاده بپرسم می‌گویم "نه". چون مشخص است و شاید اگر اینجا مانده بودی الان هم مدال بازی‌های آسیایی را داشتی و هم شانس حضور در المپیک پیش‌روا.

قصه برای بقیه هم تکراری است. مثل یکتا جمالی در وزن برداری، سعید ملایی در جودو، سارا خادم‌الشریعه در شطرنج و خیلی‌های دیگر. طی چند سال اخیر مسئله پناهنده شدن ورزشکاران ایرانی به کشورهای دیگر و جنگیدن زیر پرچمی غیر از پرچم کشور خودشان تبدیل به یکی از چالش‌برانگیزترین اتفاقات ورزش ایران شده است. در واقع موضوع پناهنده شدن ورزشکاران ایرانی به کشورهای دیگر از پیچیدگی زیادی برای تحلیل، نقد و بررسی برخوردار است. اینکه یک ورزشکار در حساس‌ترین مقطع زندگی خودش چه می‌شود که به یکباره تصمیم به ترک وطن و جنگیدن زیر پرچم کشور دیگری می‌گیرد؟ اینکه آیا صدای خوشبختی که در کشورهای دیگر به گوش می‌رسد واقعا فقط از دور خوش است یا ورزشکار ایرانی با فکر به عواقب تصمیمی که می‌گیرد، بلیط خودش را یک طرفه و بدون برگشت زرو می‌کند؟

یک بار دیگر می‌خواهم از این کلمه استفاده کنم و بگویم بدون تعارف! رفت و آمد‌های از جنس کیمیا عزیزاده در ورزش ایران زیاد بوده اما احتمالاً اگر از همه آنها می‌گفتی که رفته‌اند سوال کنیدی یک حس پشیمانی را روی شانه‌های خودشان احساس می‌کنند. شاید درآمد آنها در غربت بیشتر از چیزی باشد که در ایران به دست می‌آوردند اما آنها چیزهای دیگری را از دست دادند که با هیچ پولی به دست نمی‌آید! شاید پشیمانی، نقطه مشترک ورزشکاران ایرانی که ترک وطن کرده‌اند.

پادداشت

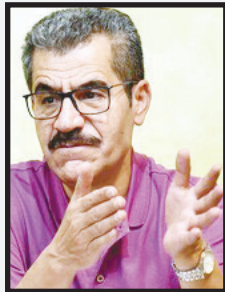
سخنوران ناآشنا با قواعد حاکم بر جامعه جهانی، کنترل یا از دسترس دور کرد. اکنون باردیگر بدگمانی و تردید بر سیاست‌های متقابل تهران و واشنگتن سایه انداخته است. این بدگمانی از آن‌رو می‌تواند متفاوت از گذشته باشد که خطر گسترش جنگ حماس _ اسرائیل در منطقه بیش از هر زمان دیگر است. همه طرف‌های جنگ طلب می‌کوشند بهانه‌های برای سیاست‌های خود دنبال کنند. این بهانه با ایجاد بسترهای عینی و ذهنی لازم و کافی ممکن خواهد بود. در این حال به نظر می‌رسد مقام‌های دولت بایدن نیز رفته رفته خود را تسلیم بادی می‌کنند که علیرغم میل آنان، وزیدن گرفته است. اظهارات و هشدارهای «جو بایدن»، «آنتونی بلینکن»، «لوید آستین» درباره سیاست‌های تهران، نشان از پیشرفت گرایش‌هایی دارد که از آغاز جنگ حماس _ اسرائیل کوشش داشته‌اند پای تهران را به ترتیبی در این معرکه بازکنند.

بنیامین نتانیاهو که اکنون میان رفتن ارتش اسرائیل به درون غزه و یا متوقف ماندن در نقطه‌ای که هست، مستاصل می‌نماید، برجسته شدن نام ایران در جنگ جاری را بهترین مفر برای خلاصی از وضعی می‌داند که با آن روبروست. بالا گرفتن تنش در مواضع تهران _ واشنگتن این امکان را برای او و در خدمت به گسترش جنگ در سطح منطقه فراهم خواهد کرد. تدبیر تهران در این هنگام چه خواهد بود؟

این در حالی است که با شروع جنگ میان حماس _ اسرائیل، تهران و واشنگتن در مواضع رسمی خود می‌کوشیدند جوانب احتیاط را در بیان رسمی نسبت به یکدیگر مراعات کنند. برهیز مقام‌های دولت «جو بایدن» از آنچه تل‌آویو می‌کوشید که تهران را بانی اصلی حمله حماس به درون مرزهای امنیتی اسرائیل معرفی کرده و به این ترتیب مقام‌های آمریکایی و به تبع آن اروپایی را وادار به نام بردن از جمهوری اسلامی در تحلیل چرایی شروع این جنگ کند، به نوعی موجب کلافگی دولت «بنیامین نتانیاهو» و بسیاری دیگر از جریان‌های تندرو در داخل ساختار نظام سیاسی ایالات متحده شد.

تهران نیز با سنجش واقع‌گرایانه اوضاع، هرگونه دخالت در طراحی و یا آگاهی داشتن از برنامه حماس برای شکستن دیوار امنیتی اسرائیل را رد کرد و تنها به حمایت معنوی از این گروه فلسطینی پرداخت. اما برخی اظهار نظرات بی‌قاعده، عجولانه و خارج از شناخت ساختار حقوقی نظام بین‌المللی و همچنین نمایش‌های گاه‌ریاکارانه جریان‌های سرمست از تندروی‌های بی‌مطالعه در داخل، مراقبت‌های تهران را در این امر با دست‌اندازهایی روبرو کرد که بستر تشدید تبلیغات علیه تهران را در فضای عمومی جامعه جهانی فراهم کرده است. این وضعیت باردیگر می‌تواند به تهران این‌مهم را یادآور شود که در بزنگاه‌های چنین تا چه میزان اظهارات مطالعه شده در سیاست‌های رسمی اهمیت داشته و لازم است در مراقبت از آن، تریبون‌های بی‌قاعده را از

تهران - واشنگتن؛ تلاقی گفت‌وگو - تنش



جلال خوش‌چهره
در حالیکه جنگ میان اسرائیل _ حماس ادامه دارد و احتمال گسترش آن در سطح منطقه از هر زمان بیشتر شده، آهنگ کلام مقام‌های آمریکایی علیه تهران و سیاست‌های منطقه‌ای آن رنگ و بوی هشدار و تهدید به خود گرفته است. این وضع همانی است که اسرائیل در همه ماه‌های گذشته خواستار آن بود. مقام‌های اسرائیلی همواره با هرگونه تنش‌زدایی در روابط تهران _ واشنگتن مخالفت کرده و آن را تهدیدی علیه منافع استراتژیک خود در خاورمیانه دانسته‌اند. جنگ حماس _ اسرائیل و حمایت معنوی تهران از محور مقاومت اکنون بهانه‌ای شده که نه تنها اسرائیلی‌ها بلکه جریان‌های مخالف در ساختار سیاسی ایالات متحده با جمهوری اسلامی، آن را فرصتی برای تخریب همه آن‌چه بخوانند که تا پیش از جنگ کنونی، میان تهران _ واشنگتن و در گفت‌وگوهایشان جریان داشت. وجود و فعالیت برخی جریان‌های گریز از مرکز نیز بر دمیدن به هیزم بی‌اعتمادی و تردید میان مقام‌های دو کشور در داخل و خارج از ایران و امریکا نقش فعال را داشته‌اند.